

## هتشدگ بلاطم نامہ رب یرورم

نامہ رب مینکی م یرورم کی زورما  
ادرفزا اللہ عاشنا ارشامتت و هتشدگ بلاطم  
هنیمز نیارد رابخا و شیداخا و تایاور هبت بسد  
رب اهن آهل ناسم و ایاضق یرادقم کی نوچ ...  
اجک هب مینیبت ات میدهی م همادا اللہ عاشنا ، ددرگی م  
... میسری م

میجرلاناطیشلانم لله اب ذوعا

میجرلانمحرلانم الله مسب

ش حبرد ، تسه اقرر رظن هک یروطن نامہ  
لثم مسجت هیضق ، دود هدش یر هیبشت ، نو طلافالثم  
نیا . بی نرج ردق و یرک عاضق ملع هب یرنو طلافان  
نیهلأتمار دص موحرم هک یروطن نامہ هیبشت  
رد اهتتم ... و دوبذ ن اسحتسا زا یرلاخ دندومرف  
بلاطم نیا ، لثم و ، هیبشت نیا مسجت تیفیک  
میدرکی عس هتشدگ ت اسلجر د ام هک دوب یرفلتخم  
دوجو هک یریا هی گنهامهان نیا و اهفلاتخانیا هک  
نآ ات تبحص . میرادرب نایم زا ار اهنیا ، دراد  
رد هک دود هدیسر اجنیا هب تسامدای هک یریاچ  
اهنیا یرود ره نیا ، ردق ملع و عاضق ملع هیضق  
ام هک یرو صت . ددرگی مر بتباث تیعاو کی هب  
هک هنیامع روصتنامه و یرئادتب روصت و میراد  
، دنتسه ماوع دارفان هنیامع روصت زا روظنم  
نیا رد شید و مک هر خلا اب بدهک یرصاخشا هکلب  
هب علاطا بدهتتم ، دنتسه علاطالها هنیمز  
یریا هباتک زا ، تسین یرفاک علاطا دسری م رظن  
روطنیا هدش هتشون هک یرتافیلات ، هدش هتشون هک  
زالبق هک تسانیا رب روصت . دوشی م ساسحا

ن آ شودد و تسا هدام ملاء هك ملاء نيا ت قلخ  
نيا شودد ز ال بق بلطم نيا ،تسا ی تا ذ شودد  
ن آ هك دوشی م طوبرم یر گید ملاوع كی هب ملاء  
ی مذ باسد هب اهن آ ملاء نيا خ نس ز ا اعبط ملاوع  
ی دارفا و تسه اجنیا رد ی بلاطم بخ و .دندما  
ن آ دنتسه هفسلف و علاطالها ی دودد ات بخ هك  
،تسه ی تابار طضا ناشبلاطم رد مینیبی م اه  
زیچ هئسم نیا رد الاصا هك ی یا هن آ هب فیکف  
دناه در کذ

من خودم يك وقتی با یکی از فضیای مشهد  
صحبت می کردم، و صحبت از این بود که در  
کیفیت خلقت نور عرض کنم که معصومین علیهم  
السلام که چهار هزار سال - این خب همینها هم  
البته اگر بخواهیم ادامه بدهیم خواهد آمد - چهار  
هزار سال قبل از خلقت این عوالم خداوند نور ما  
را خلق کرد؛ خب طبیعی است این مسئله از  
بدیهیترین مسائل است که حتی الأوائل این  
مطلب را می توانند ادراک بکنند که مسئله زمان  
دائر مدار تطور ماده است و هیچ ارتباطی به  
مجردات و تمثیل ندارد؛ پس این چهار هزار سال  
قبل از خلقت عالم این چه معنایی دارد؟ این چه  
تصوری می شود از این کرد؟ وقتی مادهای  
نیست، دیگر گردش هم دیگر در او معنا ندارد،  
وقتی مادهای نیست دیگر گذشت هم دیگر در آن  
معنا ندارد، وقتی مادهای نیست و تطوّر در ماده  
نیست، دیگر زمانی که آن زمان انتزاع می شود  
و زائیده ماده است، آن زمان هم طبعاً نمی تواند  
معنا داشته باشد. یعنی انقدر مسائل بسیط ارزیابی  
می شود در این قضیه، حالا تا چه برسد به این که

اصلا به مسائل قضاء کلی و امثال ذلك بخواهیم  
برسیم که آن اصلا به طور کلی خیلی از این  
مطالب پرت است، مسائل پرت است. از مطالبی  
که خدمت رفقا عرض شد این قضیه به دست آمد  
که بحث بر سر قبل از خلقت این عالم و انتهایش  
و قبل از آن نیست این بحث، که عالم فرض کنید  
که ما برگردیم به عقب، فرض کنید يك میلیون،  
ده میلیون، يك میلیارد - هرچه هست - تا برسیم  
به يك نقطه‌ای که حالا امروزی‌ها نقطه انفجار  
می‌گویند، نقطه بیگ بنگ می‌گویند، یا این‌که  
فرض کنید این اصل به طور کلی منتفی شده باشد  
یا يك فرضیه دیگری بخواهد بیاید و آن حلقه  
ارتباط بین ماده و بین غیر ماده را می‌خواهد -  
مجرد را - می‌خواهد برقرار بکند؛ این بحث راجع  
به این مسئله، به این کیفیت اصلا طرحش معنا  
ندارد. زیرا در قضیه قضاء الهی، صحبت از  
عالم کلی به عالم جزئی است، نه این‌که از عالم  
جزئی به عالم کلی. صحبت از این است که این  
تعین خارجی ماده، این معلول علت مافوق  
اوست، پس باید صحبت را به طور کلی از این  
جزئیت و ارتباطش با قبش بیرون آورد و بحث  
را از آن مرتبه بالا که مرتبه مبدأ اعلی است از  
آن جا شروع کرد که در آن جا چه اتفاقی افتاده؟  
در آن مبدأ اعلی چه قضیه‌ای واقع شده که این  
سلسله مراتب ظهور به این نحو علیت و معلولیت  
و تمثّل به صور مادون به این کیفیت تنازل پیدا  
کرده تا این عالم ماده و اعیان خارجی را تشکیل  
داده. وقتی که صحبت در آن جا می‌شود، ما اصلا  
به طور کلی می‌بینیم زمینه بحث عوض شد؛

زمینه صحبت و کیفیت ورود در مطلب اصلا به طور کلی تغییر پیدا می‌کند. در آن جا مسئله تقدم و تأخر اراده، اول چیزی که در آن جا مطرح می‌شود از میان برداشته می‌شود. وقتی که در ذات پروردگار که وجود بحت و بسیط و اطلاقی است ما نگاه می‌کنیم، این وجود بحت و بسیط و اطلاقی به اراده و مشیت او می‌خواهد ظهور پیدا بکند به وجود متعین و وجود متشخص و مقید خارجی. این تبدل و این تعین و این تنزل، و این ظهور، به چه نحو انجام شده است؟ صحبت در اینجا است. آیا به طور صدفه و به نحو اتفاق این مسئله انجام گرفته؟ یعنی بدون هیچ‌گونه علت؟ خب این طبعاً اصلاً این بطلانش ابده بدیهیات است. این تبدل و تشخص ظهور لایتناهی که خودش قبل از تحوّل و قبل از تغیر و ظهور، خودش تشخص دارد به وجوده الشّخصی و وحدته الشّخصیه؛ این تشخص متبدل می‌شود به تشخصات لایتناهی. در این تشخص که می‌خواهد همان وجود وجود اطلاقی و فیض اقدس است، - نه فیض مقدس - در آن فیض اقدس که همان وجود، وجود اطلاقی و وجود لایتناهی و عالم وحدت و عالم هو هویت و مقام احدیت، تمام این‌ها در يك سنخ و در يك سلك این‌ها قرار دارد، وقتی که آن وجود اطلاقی می‌خواهد متبدل بشود، قطعاً باید آن متأخر از اراده باشد، اراده ذات بر تنزل وجود است که موجب ظهور وجود اطلاقی و انبساطی به مقام واحدیت است. این جا را می‌گویند مقام واحدیت. حالا ما کاری به اصطلاح نداریم حالا بخواهیم در این اصطلاح صحبت کنیم که

خب قطعا در اینجا هم خواهد آمد. ان شاء الله در قضیه مقام احدیت و کیفیت اینها ... خب بالاخره همه اینها مسائل برمیگردد به مسئله قضاء و قدر و چاره‌ای نیست هم که از این مسائل صحبت بشود. فعلا به اصطلاح و کلمات کاری نداریم، فعلا به همان حقیقت خارجی کار داریم. این اراده و مشیتی که این علت برای این تبدیل وجود انبساطی است، وجود بسیطه و صرف الحقیقه است، صرف الحقیقه... کلّ الأشیاء، این قضیه که مسئله مسئله اراده، این اراده آیا در آن تقدم و تأخر معنا دارد یا ندارد؟ این از اینجا ما باید بحث را شروع بکنیم. یعنی تمام افرادی که آمده‌اند و در مسئله قضاء و قدر، و عالم ... حالا دیگر برده‌اند در قضایای دیگر: جبر و اختیار و اینها، دیگر خب مسائل دیگر پیش آورده‌اند؛ حالا کاری ما به آن نداریم. فعلا در همین بحث اول قضاء و قدر، وقتی در آنجا مطرح کردند از این نکته غافل شدند که اصلا حقیقت اراده احدیت این حقیقت قابل برای تجزی هست یا نیست؟ و آیا آن اراده، اراده ثانوی و ثالث و رابع و خامسی دارد، که یکی پس از دیگری است، یا این که اصلا در آنجا اراده ثانی معنا ندارد؟ وقتی که ما صحبت می‌کنیم از اراده ثانی ... آخر این قضیه باید اصلا چیز بشود، آخر چقدر این حرف حرف عبث و بیهوده‌ای است؟ یعنی در مقام اراده اولی اراده ثانی نبوده؛ شما يك همچین چیزی را در ذات پروردگار می‌توانید تصور کنید؟ که وقتی ذات پروردگار آن اراده و مشیتش تعلق به امری می‌گیرد، هنوز اراده ثانی نیست. نیست یعنی فاقد

است. ذات پروردگار فاقد اراده ثانی است و این  
 لازمه اش جهل به آن اراده و مقام است، و تترد  
 (...). جهل، در ذات پروردگار و نفس و بعد هم  
 مسائل و توالی فاسدی که همینطور یکی پس از  
 دیگری بر این مسئله مترتب می شود و دیگر مقام  
 احتیاج و امکان و نفس و سقوط واجب الوجودی  
 از واجب الوجودی و دیگر می رود در يك مطالب  
 دیگر در بحث های دیگر. پس در اینجا وقتی که  
 خواهی می فرماید که:

\*\*\* دوماه که فلاحم شقذ و می مس که همه نیا  
 ،داتفا ماجرد که تسای قاسد خر غور فک  
 ار تیعقاو نیع نیا ،هدزد دوخی بد فرح  
 دناوتی مذنی از ارتهد و دنکی مناید اجنیا رد هدمآ  
 ایآ ،دینکی مل قعدار تاذ ماقم امشدی تقو که دیوگب  
 بتارم زای اهتر ره رد - نادقف ،تاذ ماقم رد  
 ره رد ،میرادن یراک دینکب روصت دیهاوخب تاذ  
 امشد - یاهلهور هر رد و یاهترم ره رد و یاهتر  
 یلوا هدارای اراد تاذ نیا که دینک روصتار تاذ  
 و هثلثا و هینا هدارا دقاو و تساتیدحاو ماقم رد  
 ؟هچ دوشی منیا .دوب دهاوخذ ارج مله و هعبار  
 ی دوجولا بجاو هترم نآ زاتاذ تقیقندن لاطب  
 تسرد .رگید بلاطم و تیدمص هترم نآ زا و  
 یلیخو ی دنب هتسد یلیخ دینیب ،نیا ربانبس پدش  
 تیعقاو نآ هکنیا ات میآی و لجمراد نمل سلسم  
 ردن دروخ بالثم یلیخ ردق ماقم و عاضق ماقم  
 .دریگبرارق همه رایتخا

یسانشد الله باتکام :دندومرفی ماقا مو حرم  
 می اجنآ زا میراد ار ادخ ،میسونی می میراد ار  
 نیا باب! مدرم تسدی ولج میرانگی منیپا میشک

ردقنا؟ دیدرگی م هچ ل ا بند دیراد ردقنا! ت سادخ  
ن ا تیولج ... دینکی م ار و ا ی و جتسج بیغ رد دیراد  
!تسا

دوب هچ دنتفرگی م داددی اقا هب هکی داریا  
روطنیمه دراد ار ادخ هک دوبنیا داریا؟ داریا نآ  
بخد. دهدی م ناشنو و ار و ا دروآی م دراد هدرپی ب  
ر ب ر ارق رگم؟ تسا نیا زا ریغ رگم ناشن نیا  
ی لوغ کیدیا بامتد؟ دشابنیا زا ریغ هک تسا نیا  
اتهد رد و دشابی مد و خاشی ب لوغ و دشاب  
،مینکبش زابی کی کی و دشاب ه دش لفق و دند  
ک انسرت ار ادخ ام ی ارب دناه دما ... میسرن ، میسر ب  
ک انسرت ی ادخ و فیخم ی ادخ ؛ دناه داد ناشن  
عقوت ام زا و دناه داد ناشن ام هب ار نیا دناه دروآ  
بخد . مینکبش تسرپ ار ی یادخن پنجه کید هک دیراد  
و دیاه درکش میاق ق و دند ات هدر هک ار ی یادخ  
ی عقوم ، دیاه دزن آن ر ب ریخ رد لفق کید مادکره ر ب  
بخد ، دینا وخی م زامن و ربکا الله دیوگی م هک  
دیراد ادخ نآ هب تبسندی لاد هچ هک تسا مولعم  
و ا اب ات دینیبی مذ رگید ن اتدوخ ل باقم رد ی یادخ  
رد ادخ ، تسا ق و دند رد ادخ . دیوشب ه جاوم  
دیراد ار هک ؛ تسین اجنیا ادخ ، تسا بیغ م لاوع  
هب ار ادخ میراد ام ی روطنیا ؟ دینکی م تدابع  
ادخ نیا دییاید هک میوگی م و مینکی م ی فرعم مدرم  
و دییوگب ربکا الله و دینا وخب زامن و ا هب لااح ار  
هدروآ عافرع و عایلوا و ناگرزب . م ارحلا هریبکت  
زا ادخ ی ناوخی م زامن ی راد ی تقو ا باب دناه تفگ دنا  
هک ی اهداجسد نیا . تسا رتکیدزن و ته هداجسد نآ  
نیا ، تسا رتکیدزن و ته هب نیا زا ی اهداتسیا ش یور  
رد ار ادخ روضح . نک تدابع رادرب ار ادخ

هداچسد؟ تسیچ هداچسد، نك ساسحا تدوخ دوجو  
 و باسح كی ش دوخ یارب، تسا رگید زیچ كی  
 تدوخ دوجو رد ار ادخ دوجو. دراد ی رگید باتك  
 ی لاد هچ نیب ربکا الله و گب تقون آ، نك ساسحا  
 ییاوه و لاد هچ نیب تقون آ، ی نکی م ادیپ  
 دوری مذرگید ن هذ ربکا الله ییوگی می تقو. ی راد  
 ن آ رد، اهقفا رد، رود نیچمه زیچ كی! هوا  
 ن آ رد ... هك دینكب ضر ف ن آ رد، اهت سدرود  
 ی نعید! رگید تسانیا ... اهن اشكهك هك ییاهاج  
 هار رد، اهراتس ن آ ی لا ... میراد ام هك ی ن آ  
 ی ه ... اجن آ دوری م ن هذ ... اهفرطن آ و یریش  
 ی ادخ ن آ زا میوشی م رود میراد ی ه؟ هچ میراد  
 ی م و مینکی م رود ار نامدوخ میراد ی ه. ی لصا  
 ی م ی راد اجك دیوگی م. اهن اشكهك ن آ هب میناشك  
 ، ماهداتسیا ترانك ن م، متسه تلغب ن م اباد یور  
 ی راد اجك، متسه فرطنیا ن م، متسه تیولج ن م  
 ؟ ی نكب ادیپ ار ن م یوری م ی راد اجك؟ یوری م  
 ی م ناهج درگ ام و هناخ رد رای؟ دش تسرد  
 .تسا هئسم نیا .میدرگ

دوجو نیا ادخ هك مییوگی م هك ی تقو سپ  
 هدارا ن آ، شصخشم دوجو ن آ و راگدرورپ تا ذ  
 ؛ درادنی ناثرگید هدارا ن آ، دریگی م قلعته كی لوا  
 هدارا ن آ و تسا زیچ همه و ارد هدارا ن آ سفند  
 هك ی تقو ن م. ام لاثما هدارا دننام تسین ی تقیقح  
 نیا اسب هچ، منكب مهاوخی م ار ی بلطم كی هدارا  
 .هدوبنی و وطنم ن م هدارا رد لاصا لابق، مود هدارا  
 تسرد. موربن وریب اجنیا زا منکی م هدارا لوانم  
 زا مهاوخی م هك، ن م هدارا سفند نیا رد ایآ؟ دش  
 هتفه ن آ رد مه دصقم هب ن تفر، موربن وریب اجنیا

ن آرد نیا هدارا نیمه رد تسا نکم! هذ؟ تسا  
ی نعید، اجن آ مورب مورب هک دشاب دصقم ن آ هب ن تفر  
دشابنم هتسا نکم، بترتم

؟ دیوری ما جک اقا -

میمصت دعبات، نورید مورب اجنیا ز لاعف -

مورب مهاوخی ما جک هک منیبب مریگب

مورب؟ مورب ما جک میوگی، نورید میوری

؟ مرخب ار زیچن لاف مورب؟ اجن لاف مورب؟ لزنم

ی تقو؟ ن آل ابند مورب دراد زاین لزنم ار زیچن لاف

هدارا نیا رد و مریگی میمصت مدیسر اجن آ هب

ی ما هک لاماد درادن انعم ی لوا هدارا رد، هیناژ

اجن آ رد هک ی لئاسم، دصقم ن آ رد مورب مهاوخی

ی ریگید ز اسپ ی کی آهنیا همه داتفای م قافتا

هدارا ن آ دقافنم و تسا نامز رورم هب جاتحم

ش دوخی اجرد ار مادکره و متسه ی دعب ی اه

مها راگدروپ دروم رد ایآ منکی لامعا

کی هک ی تقو راگدروپ ی نعید؟ تسا روطنیمه

تقیقد لژنت هک دینک صرف رب دنکی هدارا

ن آ و تیدحاو هبج هک دینک صرف هب ش دوخی

وا ز ا دعب هک دنادی مذ راگدروپ ایآ، هیلک قناقذ

صرف هیلک تقیقد کی هک دینک صرف لاماد بخ...

مینک رکف مینیشنب لاماد دعب، میدرک داجیا هک دینک

رتی نژج تروص هچ هب هیلک تقیقد نیا مینیبب

مینک رکف میرادن ه لصوص لاعف؟ دیآی م رد ادعب

میناوتی مذ تسا دایز نامراک لاعف، ن آ هب عجار

تسرد ار هیلک تقیقد نیا ی تقو دعب. میمهفب

، میدرک تسرد هک ی تقو ار ی لکن اسنا نیا، میدرک

هک ی تقو ار ی لک کلم نیا و ار ی لکن اوید نیا

رگانیا، بخ مینیبب مینیشنب لاماد، میدرک داجیا

نیعت هب و ی جراخ ناسنا هب دوشب لیدبت دهاوخب  
هب ی میذ و رتم کید دق؟ دشاب ی لکش هچ هب، ی جراخ  
ود دق؟ مینزب نآ هب داتفه و رتم کید دق؟ مینزب نآ  
؟مینک روط نیا ار شگنر؟ مینزب ی رتم  
... مینک روط نیا ار رگید تایصوصذ

نیا ... راگدرورپ تاذ ی نعید؟ تسا روط نیا  
رد هک درادن انعم لاصا هک نیا، تسا لیطابا ل طبا  
ادیپ ... دهاوخب ی یانعم نینچمه کید راگدرورپ تاذ  
- ی فسلف ناهرب و لقع مکه هب نیا رب انب سپ . دنکب  
لیلد هب و ی فسلف ناهرب هب - میرادن ی نافر ع هب ی راک  
ماقم رد و لامعا ماقم رد راگدرورپ تاذ ی فسلف  
رد، دشاب هدارا هب قوبسم دیابت یلعافن آ هک تیلعاف  
ققحت و ی جراخ ققحت اجن آ رد هدارا کید طقف اجن آ  
رد عایشا قلذ بجوم هدارا نآ؛ هدرک ادیب ی نیع  
تسرد . تسا هدوب فالتخم و سرد و فالتخم ملاوع  
تقلذ رب تسا هتفرگ قلعت هک ی تقو هدارا نآ؟ دش  
نیا رب هدارا ایآ، رگید عایشا نآ تقلذ رب و عی شن آ  
نآ ی لو دوشب ماجنا لاعف نآ هک تسا هتفرگ قلعت  
رگید لاصا بخ، تسا نیا رب رگا، دوشن ماجنا  
ش هدارا راگدرورپ تاذ هک ی تقو . هدوبن هدارا لاصا  
تایصوصذ نآ رب و هئسم کید رب تفرگ قلعت  
ادیپ ققحت اجنیا رد هئسم کید، هئسم نآ رب رخاتم  
عایشا تقلذ نآ و؟ تسیچ زا ترابع نآ و هدرک  
کید . درادن داریا نیا و، تسا رگید کید رب ابترتم  
کید، رما کید رب دریگی مقلعتن اتهدارا امش تقو  
اتیلاوتم؛ اتیلاوتم رما و د رب دریگی مقلعت هدارا تقو  
دحاو هدارا نآ سفن هبرما و دن آ رب هدارا سفن ی نعید  
هئسم سپ، دشاب روطنیا رگا بخ . دریگی مقلعت  
هچ تروص نیا رد رگید ردق هئسم و عاضق ملاع  
؟دش دهاوخب هچ تروص نیا رد رگید؟ دش دهاوخب

هک ی تقو ،دینکی م هاگذا مئد ار ی باتک ک ی هک ی تقو  
 ی تقو هئسیونذ باتک نیا ،دینکی م هاگذا ار باتک نیا  
 ،هئسیونذ ،هئسیونذ ار باتک نیا دهاوخی م هک  
 ،هئسیونذ ار باتک نیا دهاوخی م ی تقو نیهلأتمار دص  
 نیا رد دهاوخی م هک ی لئاسم هب تبسذ ی تقو ک ی  
 ار الله مسب دیوگی م ،تسا ل هاج درواید باتک  
 مینکی م عورشذ ،بکرم رد مینزی م ار ملق ،میوگی م  
 ار دوشی م متذ هچ هب ود دلج رخا ؛ ن تشون هب  
 هب هک دنادی مذ مه اعقاو ،دنادی مذ مه اعقاو .منادی مذ  
 و مینزی م ار ملق لاعف دیوگی م ،دوشی م متذ هچ  
 هحفص هب ود بشد ره ،ن تشون هب مینکی م عورشذ  
 .دوشب ادیپ ی ک ی ک ی بلطم دعب هکنیا ات میسیونی م  
 رد عقوم نآ رد ی بلاطم ی تدا ن کما رایسب هچ  
 تبسذ ناسنا رگید بتک هب هعجارم اب ،دشابذ ن هذ  
 ،میتسینذ موصعم هک ام .دنکب ادیپ علاطا ی بلطم ک ی هب  
 هک دینکب صرف هک تسان کما ،میتسینذ ماما هک ام  
 زا ی ضعب هب هعجارم اب ،دشابذ ن هذ رد ی بلطم ک ی  
 زا ی لیخ .دنکب ادیپ ریغت رکف زرط رگید ک رادم  
 ،دنکی م ن تشون هب عورشذ ی تقو هک دنتسه اههئسیونذ  
 .دنکی م قرف بلاطم

نآ رب ی علاطا ل و ا هلهو رد سپ ؟تسرد  
 ماتتخا و درادنذ هئسیونذ دهاوخی م اجنیا رد هک هچ  
 هب ی ک ی ،دنک روصتار ماتتخا نآ دناوتی مذ ار وا  
 ی لعا ی دیوگی م ،ن تشون هب دنکی م عورشذ ،مسقنیا  
 هچ اجنیا رد هک هچنآ هب مینک عورشذ و میتفگ ار  
 هد هحفص ود هحفص ک ی ش اوید ش اوید ،دما دهاوخ  
 نآ ،دش مامت نیا هک نیمه ات هحفص تسیب هحفص  
 و دیسر اجنیا هب هئسم بخی لیخ دیوگی م تقو  
 ک ی ،روطنیا ی تقو ک ی .تسه نآ رد بلاطم نیا  
 هک دنادی م فلو م نآ دوخ ،درف نآ دوخ ،هذی تقو

رد بلاطم ی کدی کدی، دسیوند و ارد دهاوخی م هچ  
 هئارا هبترم کدی «دناوتی مذ» ی لو، تسه ش نهذ  
 هحفصه چنپ هحفصه راهچی بشد تسا روبجم، دهدب  
 ،درادن ناج شتسد، درادن تردق رتشیب، دسیوند  
 کدی دهاوخب هکنیا رب دنکی مذی رای ار وانامز  
 یود دلج باتک کدی هعاسلا قلخ نامه، هبترم  
 نهذ رد؟ هچ بلاطم هامت ... یروطنیمه رافسا  
 ربه دارا حلاطصا هبن آت هجن آدناوتی مذ. تسا  
 هدارا نآ، تایوتحم نیا رب باتک ءاوطنانیا  
 ی جراحی اهفعضه طساو هبی لو، تسا دوجوم  
 هدایی یار بن اوت، دراد هکی صقاوندو تردق مدعو  
 لآ، نامز تشنگ هب لآ درادن ار هدارا نآ ندرک  
 برعلوقه هبروطنیمه، تادیهت یضعب لاثم هب  
 ،ات چنپ بشره هکنیا ات، ولج دیایب هیوش هیوش اه  
 اما؛ ن تشوناهنیا زا دنکب عورش، هحفصه د، ات هذ  
 زالوا هکتسه نهذ رد لوا زا بلاطم نآ دوخ  
 لئاسم نیا هچ هب ادعب و دوشی م عورش طخ هچ  
 تسرد؛ تسا نهذ رد بلاطم نیا، دوشی م متخ  
 ،دهدب هئارا هعاسلا قلخ ار اهنیا دناوتی مذ؟ دش  
 امش هکی تقو؟ دش تسرد؛ دراد تشنگ هب زاینیا  
 نیا هک دیوگی م دینکی م هاگزار رخا بلاطم نیا  
 کدی، دیشاب هتشون ار اهنیا دیاب شلبق هحفصه  
 نیا دیوگی م لوا هبرخا زا دینزی م رگید هحفصه  
 ... ی کدی یروطنیمه، دشاب روطنیا دیاب لابق  
 روضدن لآ بلاطم هامت هدنسیوندوخ نهذ رد اما  
 نیا نودب دنکی م بترم ش نهذ رد ش دوخ، دراد  
 ،منکی م عورش ار ثحب نیا لوا: درواید لاصا هک  
 تیاور نیا دعب، منکی م عورش ار ثحب نیا دعب  
 ، مروآی م ار میکدن لاف ملاک نآ، منکی م لقنار

ش دوزن هذ رد ار اهن يا مامت ... ار هيضق نأ  
 اتعقد ار اهن يا درادن تردق ، هدامأ ، هدرک بترم  
 لكي راگدروپ تاذ رد ؟ دش تسرد ؛ دروايد  
 . مينكي راج اجنيا رد ميناوتي م ار ي لائم نينچمه  
 باتک فيلأت رب هدارا ايا راگدروپ تاذ رد  
 ي علاطا هک تسا ي سک لثم هدارا نيا ايا ، نيوکت  
 . درادن انعم هک نيا بخ ؟ درادن باتک تايوتحم رب  
 سفن هب نيوکت باتک فيلأت رد راگدروپ تاذ  
 نأ سفن هب دوشب ماجنا دياب هک ار هچنأ مامت هدارا  
 اهنأ هکنيا زاتسا زجا ايا . دراد ار همه هدارا  
 زجا مهنأ ؟ دروايد ي کي ي کي فلؤم نأ لثم ار  
 رخأتو مدقتي ي ارب ي ليلد چيه نيا رب انب سپ . تسيند  
 ي دارم ره و درادن دوجو توافتم ي اه هدارا نأ رد  
 هب نأ هطساو هب ايد زج هطساو هب ده اوخب هک  
 ادبي ي توکت رخأت ده اوخب تاذ ص ئاقد حلاطصا  
 نيا ؟ تسينچ اهن يا راگدروپ تاذ رد نيا ، دنکب  
 هک تسا نيا دنامي م ي قاب هک هچنأ . تسا دودرم  
 ، هدارا لكي هب ، هداو هدارا سفن هب راگدروپ تاذ  
 مامت ، ار ش مامت ، ار دوجو بتارم هلسلس مامت  
 ، ام هعقد و هدارا سفن هب ار دوجو بتارم هلسلس  
 بتارم نأ زا مادکره اهنتم ؛ تسا هدر و آ دوجو هب  
 صرف هبترم لكي رد . دراد ار ش دوزن رانآ دوجو  
 هبترم لكي رد ، تسانعم طقف هبترم هبترم هک دينکب  
 صرف - تروص هبترم لكي رد ، تسا تروص  
 دوزن وچ ... هبترم لكي رد ، تسا ي لائم - هک دينکب  
 ي م داختم هب ابر تلااب ملاوع لكي رد مه اهتروص  
 لكي رد . هيلک ق ئاقد نأ دوزن دنکب ادبي دنناوت  
 و تانيعت همه اهن يا ، تسا جراخ هبترم هک هبترم  
 مادکره هک تسا هک ي تامسجت و ي جراخ تانيعت

نیا . دود دنهاوخر رگیدکیزا زیامتم ناشدوخی ار بد  
 هکی تقو اذله ... هکتسا یزیچن آحلاطصا هب  
 تیاور رگید دینکی م مانگد هیضق نیا هب امشد  
 دارفا زای رایسب هک ماسلا هیلع رفعجن بی سوم  
 دناه دیمهفند ، هی تمدناه درمش دودرم ار تیاور نیا  
 ضرف تیاور نیا هک دنهاتفگ ، تسیچش یانعم هک  
 ناک : میراد همئا زای میراد لاثم هلب . تسا دنناز دینک  
 لکینیا بخت ؛ میراد ار نیا ، عی شد هعم نکی م و الله  
 رد ار ادخ دنتخادنا هر ابود ... الله ناک : هکی زیچ  
 چیه هکی تاذا هیدحا و تیدحا و تیوهوه ملاء کید  
 درادنتاقولخم ریاسد دوجو ابش دوجو یطابترا  
 ناک نیا ، هبترم نآرد ار ادخ دنتخادنا هکی تقو و  
 ؛ دهدی م ار شدوخی انعم عی شلا هعم نکی م و الله  
 ریغ ، دوبندی کیدوبی کید ! دوبندی چیه و دود ادخ  
 زالوا زای نام هکی نام ه ! دوبندس کچیه ادخ زای  
 ادیپ قدص اجنآرد نیا ، دنتفگی م ام هب ی کچوک  
 نبی سوم تیاور هب ام هکی تقو ی لو . دنکی م  
 : دنیا مرفی م ترصد مینیبی م ، میسری م رفعج  
**! ناک امکن لآو**

یّدام قلخنیا هکی ذلآ ، ناک امکن لآ نیا  
 همه ملاء نیا هکن لآ ، تسام رظنم و ی آر مرد  
 نکی م و الله ناک نیا رگید ، تسام مشچی ولج رد  
 نآرد هکی یادخی نعید ؟ دهدی م انعم هچ عی شد هعم  
 م و تسه ادخن آمهن لآ ، دوبند چیه و دود عقوم  
 م و الله ناک . دوبند چیه هکنیا هذ ، عی شد هعم نکی  
 دوبندی انعم هذ تیاور نیا ی انعم ، عی شد هعم نکی  
 وحن هب ءایشا نوکت مدعش یانعم ، تسا ءایشا  
 ردقنا هنیارچ منادی مند ؛ تسای مامضنا دوجو  
 رانکرد ءایشای مامضنا دوجو ! ار نیا دنمهفی مند

رگم ناشهلاذ هسیک زآ ، درادن انعم راگدرورپ  
 عی شهعم نکی م و الله ناک؟ ار دوجو نیا دناه دروآ  
 تفارص نامه ، تاذلا هیدحا ماقم نامه ی نعید  
 هک ، ی هانتی لا و ی قلاطا دوجو ماقم نامه ، دوجو  
 هچ ، درادی منرب ود نآ ، تسا راگدرورپ تاذ رد  
 نویلیم تسیود هچ ، دینک روصت دیهاوخی م ن لآ  
 تسیود هچ ، دینک روصت دیهاوخی م ار ل بق لاس  
 لاصا هچ ، دینک روصت دیهاوخی م ل بق لاس نویلیم  
 ، دیربب لاثم ملء رد ار هئسم هک دینکب صرف  
 ی راگره ، دینک عطقه ار قلاخ و قنلاخ نید طابترا  
 ربود ی قلاطا دوجو نیا ، دیهدب ماجنا دیهاوخی م  
 نیا اقا . نیا رانک ، هعم نکی م و الله ناک . درادی مذ  
 همه ناویله ، تسا نم تسار تسد رد بآ گنت  
 ناک ، تسا نیا رانک رد نیا ، تسا نم پچ تسد  
 کیش رانک رد هدوبن ی یادخی نعید هعم نکی م و الله  
 ، هدوب بآ گنت نیمه هدوب هچره ، دشاب بآ ناویله  
 تاذلا هیدحا دوجو نیمه هدوب هچره ؟ دیدرک هجوت  
 نآ ، تاذلا هیدحا دوجو نآ ... هدوب هچره ، هدوب  
 ی دوجو نآ ، تسا تیوهوه ماقم رد هک ی دوجو  
 ی ریغت هچ ن لآ ، تسا ی قلاطا دوجو ماقم رد هک  
**! ناک امک ن لآ او ؟ ه دش ادیپ ن آ رد**

دنیا مرفی م مظاک ماما هک ی نیا نیا رب انب سپ  
 نیا ، ناک امک وه ن لآ او عی شهعم نکی م و الله ناک  
 مینیبی م ن لآ میراد ام هک ، ناک ام ی لع ن لآ تقیقد  
 ن لآ و دنگیدکی زا زیامتم هک ار ی جراخ عایشا  
 زیامتم هک ار ی جراخ عایشا مینکی م دهاشم میراد  
 زیامت ، زیامت نامه نیا مینیبیم هک ی زیامت نیا ...  
**! تسا نامه ؟ دش تسرد ، تسا تاذلا هیدحا ماقم رد**  
**رگید ی ناضق هذ ! دش ی کی ردق و عاضق ملء سپ**

بآ و هویم و اذغ!! میرادی اویم هن؟ هچ هن، میراد  
 تقیقد، تقیقد کی! دش هتشادرب هم هر دقو و عاضقو  
 هیدحا زاتسا ترابع تقیقد نآ هک تساتسا هدحاو  
 نآ هکنیا هن. دوجوم نلآ تاذلا هیدحا نآ، تاذلا  
 رد، قودنصرد، اهفرطنآ، نآن آنآ، لابق تیدحا  
 ،میورب اهن اشکهک رد ،اهبیغ رد ،اهقفا  
 و ناگراتسد منادی من و مینکب در ار اهل اچماید  
 مینیب و میرنگب ار هم ار اهنیا ار تارایسد  
 رد هکی زیچ کی! هوا و اهنیا و هدوب هچ فرطنآ  
 هیدحا نآ، نآ، دوشی منادی یراطع چیه هسیک  
 نامدوخ دعب و میرانگب نآ یور ار شمسار تاذلا  
 ار نامدوخ سردم نیا رد اجنیا میرواید میناشکب ار  
 تاذ ماقم نآ زای لک عاطقنا و ی تبی ادج میهدب رارق  
 مینیب میدرگب لاجد، دوشب ادیپ ام یارب اجنیا رد  
 ! ناجاقآ هن ... مهرسی یاهزیچ کی، هدوب هچ اجنآ  
 تاذ یارب ماقم نیا هکی تاذلا هیدحا ماقم نامه  
 .تساتب تباث ماقم نیا، تساتب تباث راگدروپ  
 هتشادرب نایم زاتسا، دودب دهاوخ و تساتسا هدوب  
 ماسلا هیلع ماما اذل. دنامی م تیعقاو کی؛ دوشی م  
**انیقی تددزا ام عاطفلا فشک و:** هکی دیامرفی م  
 ،دوشب هتشادرب هدرپ رگا دنیا مرفی م نینمؤمارما  
 هفاضا دیاب هکی تلادرد. دوشی من هفاضا م نیقی هب  
 هکنیا رب میشاب هتشاد نیقی ام مه هچره! دوشب  
 مسق ام مه هچره، دییوگی م تسار ی لاعبانج  
 تسار امش هکنیا رب میروخب سابع ترضح  
 زیچ نلافام لزنم رد نلآ هکی دییوگبرگا، دییوگی م  
 ناتلزنم رد ممشچ اب میاینم هکی تقوات، تسه  
 دیاشد: ی اهرذ کی، ی اهرذ کی؟ تسیچ هلسم، مینیب  
 ،هدرکذ تقد بوخ نوریب هدمآ دیاشد، هتفر شداپ  
 نیا میوگی م. مراد نیقی، اهمراد نیقی ... بوخ

دشاب س و م لم هک ی نا ب ذ ی لو ، ن ل اف ، ت سا ت س رد  
 یاقاً ، میایب هک نوریب زا هک دینکب صرف نآ لا نم  
 ی دار فا اقا دنیوگب هدنب هب دنیایب هک زیچ دینکب صرف  
 ی کی ی کی ، دنتسه اهنیا دنتسه س لجم نیا رد هک  
 هدرکذ هابتشا میوگی م بذ . ماهتشون م ه ار ی ماسا  
 نیا . ن ل اف ی اقا ، ن ل اف ی اقا ، ن ل اف ی اقا : هتشون ، رگید  
 تلاد دنتسه اجنیا هک ی دار فا هب ت بسن ن لا نم  
 ، ل اد نیع رد ؛ منکی م ادیب نیقی تلاد و ن انیمطا  
 منیشنب اجنیا میایب و منک ز ا ب ار رد ن م هک دنکی م ق ر ف  
 هک ی لاد نیا ... ی کی ی کی ی کی و منکب اقر هب هاگذ و  
 د نه د ب ن م هب ار دار فا ت ر و ص هک ی نیا اب مراد ن لا  
 کی نیا ، هذ ای ؟ ت سا ی کی الله نیب و انیب ؟ ت سا ی کی  
 م ه ار نیا : دیوگی م نینمؤ ماریم . ت سا رگید زیچ  
 ! مراد ن م

کی هب ن اسنا هک دوشی م هچ ؟ دوشی م هچ  
 هژ د دوشی م هتشادرب هدرپی تقو هک دسرب ی اهتر م  
 تلاد ود ، ش دوخ س اسحا و تلاد رب ی لاقثم  
 هک ت سا نیا زا ریغ نیا . درانگذ ریثأت فلتخم  
 هک دیوگی م تر ضد ی تقو ؟ ت سا ت باث زیچ همه  
 ن لا ن م ی نعید ، انیقی ت ددزا ام عاطفا فشک و  
 ؟ دوشب ن شور میار بدها وخی م ار هچ ، منیبی م مراد  
 هتفگ ن م هب هک نیا هذ ؟ دها وخی م ار هچ ! منیبی م  
 ی نا ، ت سا ت س رد دنا هتفگ هک ی نا ، ب ذ ی لیخ ، دنا  
 ، هتفگ هدمآ ق د ص م ق د ا ص ، ت سا ق د ا ص دنا هتفگ هک  
 ش یور م ه س ا ب ع ت ر ض د م س ق ، مراد نیقی م ه ن م  
 ز ا ب ز ا ب ی لو ، دوشی م ما ج نا و م ه ب و م هک م ر و خ ی م  
 ن آ ، ن اسنا هک ی س اسحا ن آ ، ن اسنا هک ی لاد ن آ ز ا ب  
 ت ق ی ق د د و خ ا ب ه ه جا و م ر د ن اسنا هک ی تی ع ق و م  
 ی م امش هب ... دوشی م ل ص ا د و ا ی ا ر ب ع ی ش لا

دراد ار تايصوصذ نيا ،تسا نيا اولد دنيوگ  
نيا اولد هک ديروخي م مسق و ديراد نيقي امش  
رد ديراذگي م ار اولد ن آ هک ي تقو اما ،تسا  
روضد ك ي طقف هک ي تلاد ن آ اب ن اتلاد ،ن اتناهد  
،دنكي م توافقت ؟تسا ي كي ن اتلاد ديراد ي نهذ  
.دنكي م توافقت م ه ي ليخ

تددزا ام :ديامرفي م نينمؤماريما اما  
... ن لا هک نيا رطاخ هب ؟تسيچ ل ام نيا ،انيقي  
هک ي نامز ن آ ي نعي ؟هچ ي نعي **عاطفا فشد**  
نامز ن آ !هلد ؟دوب تمايق ملاء دوب نينمؤماريما  
ملاء ن لا !تسا تمايق ملاء ن لا ،دوب تمايق ملاء  
!تسا تمايق

ترضد ،ربمغيپ ش يپ ديآي م ديز هک ي تقو  
؟تسا روطچ تلاد - اههثراد ن ب ديز - دنيا مرفي م  
ي رآ ؟دنكي م ضرع هچ ربمغيپ هب ؟ديوگي م هچ  
نم هب هک نيا هذ ،م نيببي م مراد **!اهيف ن م و هنجلا**  
رد ؛بذ ي ليخ !دوخ ي اج ي تفگ امش ،امش ي تفگ  
؛تسه آهنيا و تشهد و منهج تايآ ي ليخ م ه ن آرق  
ي نعي ؟م نيببي م مراد ار هچ !م نيببي م مراد ن م !ي رآ  
م نيببي م مراد ار وت الله لوسر اين لا هک ي روطن نامه  
و ن لافو ي مود و ي لوا م ه نيا و ي تسشن اجنآ ناه  
ي روطن نامه ،همه باحصا ،ن اشذب ،ن اشبوخ لاماد  
،م نكي م دهاشم ار ي كي ي كي م مراد ن لا هک  
ار تيعقاو ،م نيببي م مراد ،ي رآ ن لا م ه ي روطن نامه  
ي روطن نامه .م نيببي م مراد ار تقيقد ،م نيببي م مراد  
زا دنرادن ربخ دناه تسشن اجنيا رد هک ي ياهن يا هک  
،دنكي م اد يپ ن ايرج دراد هچ ن اشدهدم رد هکن يا  
ار فصد و دبک و ش شرد ،دنزي م دراد هنوگچ ن اشبلق  
دوشي م حاجنا دراد ن لا ي لئاسم هچ ن اشهيلک و  
هک دينكب ضر ف هک ي سک ك ي اما ،دنرادن علاطا

و یرادر بس کع ن آ اب دنکی م اشامت دراد هتخادنا  
هک دیوگب دناوتی م ایآ ،دنیبی م یکی یکی دراد ن لاف  
؟نیبی مذ وت هک م نیبی م ار ی زیچ وت رد مراد ن م  
،هظح نیمه ،هظح نیمه رد !دیوگی م تسار بخ  
امش هک م نکیم دهاشم ار ی زیچ امش رد مراد ن م  
!نیبی مذ تدوخ

!دیوگی م تسار بخ

درادنیا ،ار شهاگتسد مراد ن م بخ

،م نکیم مذ ساسحا ی زیچ ن م دیوگی م  
هیلک نیا هک نیا اما !میاهدنر هک مینادی م ردقنیمه  
ی مذ هک ار نیا دنکی م راک هنوگچ دراد ن لآ اه  
ن اممشچ هک ار وت نیا ،رگید تسا وت نیا .مینیب  
،دنکی م راکچ دراد ن لآ بلق نیا هک ی نیا .دنیبی مذ  
نیا ،تسا تسرد شیاچک ،تسا بارخ شیاچک  
،مینیبی مذ هک ار هتفرگش گر مادک .مینیبی مذ هک ار  
ی م دراد پت پت پت مینیبی م طقف !هذ ؟مینیبی م  
هک ی سک ن آ اما .مینیبی م میراد طقف ار نیا ؛دنز  
سکع ای و دنکی م وکا ای دنکی م دهاشم دراد  
ضیرم صخشن آ هب دراد ،دنکی م دراد یرادر ب  
ی مذ وت هک ،وت رد م نیبی م ن م ار ی زیچ دیوگی م  
ی نیب

دیوگی م دراد مه تسار

ی م ربمغیپ هب دراد هتر احن بدیز روطنیمه  
،تسا تشهد رد نیا هک م نیبی م مراد ن م :دیوگ  
تسا منهج رد نیا ،تسا نیا ،تسا تشهد رد نیا  
...

!دنیبی مذ شدوخ ی لو ،دنیبی م دراد نیا  
.دنیبی م دراد ار تیعقوم ،دهدی مذ ربخ ؟تسرد  
ی لو شیدوری م ناسنا ی تقو ... ل احن امه ی نعید

ش سفز رد تسه هچره؟ تسیچ ادخی لو ن آ ، ادخ  
:دیوگی م ... دناوتی م . دنکی م هاگذ دراد ار همه  
قلم رگید اجنیا ! اباد مینیب تراکی پوربوش دلب  
!ام یار بن زد

ی اج هب ک یلع و م لاسد ی اج هب میاهدمآ اقا -  
ی م درو خرب ام اب ی ر و وطن یا ی راد ی سرپل او ح ا  
؟ ی نک

نک عمج ورب وشاپ ورب وشاپ ! ورب وشاپ -  
!ار تتاسب

ار اقعدهک \*\*\* هزرگدی غرم رب ماد نیا ورب  
هنایشآ تسا دلب

ن آمهدب ربخی هاوخی م ! مینیبی م مراد دیوگی م  
؟ میوگب ی هاوخی م ؟ دوشی م زمرق تگنر تقو  
راکچ هک دینکب ضر ف میوگب وت هب ی هاوخی م  
؟ میوگب ی هاوخی م ی نک ی م ی راد

و زمرق ار اهگنر میهاوخی مذ ام اقا هذ  
نیمه ، مینکب ی اهرسد و ی تروصد و ی با و ش فنب  
نیا هذ ، دنامی م ی ر و وطنیمه هک لا اح ! دنامب ی ر و ط  
!دیوگی مذ ، تسه ! تساتود ! تسیند هک

!دنبب ار تناهد : دندومرف ربمغیپ

ار تشهد دنیبی م دراد هتراد ن ب دیز سپ  
، دنیبی م ار منهج ن لا ا دراد . دنیبی م دراد ، ن لا ا  
هک ی دار فا . دنیبی م ار ربمغیپ رود هک ی دار فا  
لوسر ای الله لوسر ای و دناهتسشن ربمغیپ رود رد  
ی کید ار همه دراد ، دفاکشی م ار فقس دراد ن اشالله  
دراد ، دنقدصل ها هک ی یاهن آ . دنیبی م دراد ی کید  
اهن آ دنکی م ی زاب هقد دراد هک ی یاهن آ ، دنیبی م  
شیپ دناهدمآ دنکی م لایخ . دنیبی م دراد مه ار  
لوگ ار شرس ، دندز لوگ ار ربمغیپ ، ربمغیپ

کي و میداندنخ ار ربمغیپ هدروخ کي میتفر :دندز  
... و میدرک زاباج هدروخ

امش شیر هب دراد وا ،اباب هذ هک دندادی مند  
نم :دیوگی م .بی نکیم زیچ یراد وت !دندخی م  
،ار کک و یزاب هقد منیبی م تاهفایق زا مراد  
ورب !میاهدربند ار تیوربا وت ورب !اباب نکش عمج  
!اباب وشاپ

؟دشد تسرد

ن بدیز کینیا .دنیبی م دراد ار همه ار اهنیا  
دیز .ه ااطغلا فشک ؟هچ طقف ادخ هکی کی ،هثراد  
ام ؛هشد هتشارب ؟هشد هچ شیارب ااطغ هثراد ن بد  
توف ،اجنآ میورب مینک ربد ،مینک ربد دیاب ام ،هذ  
میمهفی م هزات ،دوشب ماجنا لاحترا ،دوشب ماجنا  
هدوب ایاضق هچ !میتسنادی منام هدوب اهربخ هچ !نا ه  
هب ،تسه ن لآ نیمه ،ن لآ نیمه اقا !میتسنادی منام  
مامت ،تسه مّ دج هب ،تسه ماّ دج هب ،تسه مّ دج  
نیمه ،تسه ن لآ نیمه ،دنتفگ ن اگرزب هک ار هچنآ  
ن لآ نیمه ،تسا منهج ن لآ نیمه ،تسا تشهب ن لآ  
،دنوشی م باذع دراد ،صخشم همه منهج دارفا  
،دنتسه مّ عنتم دنتسه تّ نجر د هکی دارفا ن لآ نیمه  
قرف دارفا تلاد ن لآ نیمه !تسه ن لآ نیمه  
لادنآ هدی م ناشن اهتروص ن لآ نیمه ،دنکی م  
اهتم ،دندراد رارق نآ رد هک ار ی تیعموم نآ و  
هذ ،دمهفی مند ش دوخ !دمهفی مند ؟تسیچ ش دوخ  
زاب عمقوم نآ رگا .دمهفی مند ش دوخ .تسیند هکنیا  
تسا فلتخم تایاور - رقاب ماما ایق داصد ماما ،دندک  
تقونآ ،رانک دندزب ریصبی با یولج زا و دنیاید -  
سرخی کی نیا تافر ع نیا رد دمهفی م ریصبی با  
دنکی م رع رع دراد هدمآ ،تسا رخی کی نآ ،تسا  
رد دراد واگی ادصی کی نآ !مهلا کیبلی یاج هب

لا ماد دعب! دنتسه شیا هبوخا هنی لا ماد! دروآمی  
 رگیدت ایصوصخو رگیدی اهادصو رگیدل ناسم  
**فشک** ار هدرپ رقاب ماما ای ق داصد ماما  
 دش چیگ هعقد کی، رانک دز ار هدرپ، درک عاطفا  
 ی با هب دوب هک ار ی نا! دوب؛ درک داجیا هکنیا هز  
 ار هدرپ دما، دوب هک ار ی نا. داد ناشن ریصب  
 داشنا ش دوخ زا، درکن داجیا، دز رانک تشادرب  
 ام همه هنی یا؟ دش تسرد، درواین دو جو هب، درکن  
 هچاقا مینیب هک س و ملم ق نأقد کی هب دناسری م ار  
 هچ ل ابند؟ ام میراک ی اجک. عاضوا تسا ربخ  
 ار ام هکنیا هز ... ی ق نأقد کی هب؟ میدرگی م میراد  
 لا ماد ورب هک دینک ضرف، دندهب هلاوح، دننک ترپ  
 ... هک ار هچ نا؛ ریگب تساجک نیب، ش لابند

درکی م ام زا م ماج بلط لد اهل اسد

هچره اعقاو، دنک ش تمحر ادخ اعقاو ی لیخ  
 مدرم دناه دروآ هنی یا. دناه تفگ هنی یا تسه هک ار  
 ی یا هنی آ هز، دناه درک کی دزنی عقاو نید ن آ هب ار  
 ی م! دشاب هتسب نامنا بز! هلب! دنامب رگید ... هک  
 ی م در زمرق طخ زا رگیدی لیخ و ترخا دنیوگ  
 ای وشی م در هچ زا! ی وشد

و ار ی نید ق نأقد ن آ و دنما هنی یا ... هلب

دندرکن ایب ام ی ار ب ار ی عقاو ق نأقد ن آ

درکی م انمت هناگیز، تشاد دوخ هچ ناو

تسا ناسنا دوخ دو جو رد تسه هچره  
 قافتا هک ار ی بلطم طقف هک مینک ربص دیاب ام اهتتم  
 ی مذ ماجنا ی چیه! نیمه، رانک دورب هدرپ، دتفای م  
 ار هچ نا هب ناسنا و، رانک دورب هدرپ نیا، دوش  
 ل صد ام نیا. دسرب تسا تی عقاو و تسه هک  
 رد هنی م نیا رد هک دوب ی تاسلج و اهت بحص

هـ زورما و میتشاد ام بخ ردق و عاضق هئسم  
اهنیا بکه کی مئامض و مضم کیه هـ درشف و حد  
ناید ار هئسم مه اهنیا ،تایاور رد هدوب مه  
میدرک

نا رگید بلطم همادا هـ تبسند بخ اما و  
لوط مه زورما هتبلابخ ... ادر فزا اللهعاشد  
،دنداد هزاجا ام هـ رگید هـ یروطنآ و ،دیشک  
هـ صلاخنیا زاشید ،تسا هقیقتسید اتود رگید  
یوریند اب مینکی طخترگا و .دوشی مندهک دنا هتفگ  
نلا هچرگ رگید ! رگید میتسه هجاوم هیرهق  
ام فرح هـ یسک رگید ! هدیسر هیرهق هـ هئسم  
رد ار بلاطم همادا ادر فزا اللهعاشنا .دهدی منشوگ  
تحد رظنزا و ییاور رظنزا فالتخم یاهنیمز  
روطنیمه و یفسلف رظنزا و یرظن نافرء  
تسا ش مئامض و مضم هـ هـ رگید یاهزیچ  
،تسید دودرد رگید بخ اهتتم مینکی مضرء  
هـ میدهی من ماجنا رتشیب ،هقیقتسید و تسید  
میسرب مه یهقق تحد هـ میناوتب

دَمْحُمِلْ أَوْ دَمْحُمِيْ أَعْلَى صَدْمَهْلَا

تلمیذ: آن حال امیرالمؤمنین در شب  
ضربت، که آن آرامشی بود (...).

ایاضق نیا هـ یطابترا اهنیا ،هذ :داتسا  
درادذ

بتارم همهر د اذ اب هـ کی سکی نعید :ذیملت  
....،تسه

نا !مشچ ،مینکی مضرء بخ :داتسا  
دیامرفب تشاددای ... اهزیچ وزج نیا !اللهعاشد  
اباب ؟دشاب زیچ همه زورما نیمه دیهاوخی مامش  
!میراد تقو ،ردقچ ،زور تسید هد نلا ام

تلمیذ:....

لحاد نیا بهلب بتسا تسرد ،هلب هلب :داتسا  
ی تافانم بارطضا ،دنکی مندی قرف ،تسا نامهم  
هتشادذ نیقی یرما کی به ات امشد ،درادذ نیقی اب  
... زا بارطضا .دینکی منادیپ بارطضا دیشاب  
درادی هیضه چه که دینادی م و دیراد نیقی نوچه  
بارطضا و ... بارطضال لحاد نیا ،دتفای مقافتا  
زا بارطضا ،نلاف و سرت و فوخ زا هذ مه  
سفن نآ که تسای دام به هقلعتم سفن عاطقنا  
ضوع دراد ار ناکم و نوکه مامت که تساتیلو  
نوچه .ادخت اقلام زا هکنیا هذ ؛نیا زانیا ،دنکی م  
دراد ملاء هممه ،دوری مایند زای لو سفن نیا دراد  
درادی م هگزار نآ دراد نیا ،دوشی م ور و ریز  
؟دیدش هجوتم .دناسر بی دعبی لو به ملسد ار نآ که  
که تسا ملاء رد تلاوحت و ریغت ،نیا یار بنیا  
دوشی م بارطضا راجد و بلاقنا راجد و اسفن  
،دتفای مقافتا شتوفزال بقی ماما ره یار بنیا و  
ش حیضوت للاح .درادذ نینمؤ ملار یما به ص اصتخا  
.ادعب ار شرتشید ایار